

کتابیه: سفرنامه کتابی وین

دکتر محسن جعفری مذهب^۱

دستفروشی کتاب، جمعه بازار کتاب، قاچاق، سانسور، ... صحبت خواهد شد. این نوشته تنها سفرنامه است و نه گزارش علمی کنفرانس.

آغازین تلاش همایش (برای من) در مرکز پژوهشی میراث مکتوب (ناشر متون تصحیح شده خطی) آغاز شد که درباره همایش و شرکت در آن صحبت شد. البته سال ۱۳۸۵ که پروفیسور برت جی. فراگنر^۲ به ایران آمده بود و از کتابخانه ملی دیداری داشت، از قصد برگزاری آن خبر یافته بودم. میزبان ما انستیتو ایران‌شناسی وابسته به آکادمی علوم اتریش بود که رئیسش پروفیسور برت فراگنر چند کتاب درباره ایران نوشته که مربوط به سفرنامه‌نویسی ایرانیان، اسناد فارسی، و امثال آن است.

انتخاب سخنرانان براساس کارهای علمی منتشر شده و ارائه شده آنان در زمینه نسخه‌شناسی بود و برخی افراد پیشنهادی طرفین به دلیل نداشتن کار علمی منتشر شده در زمینه نسخه‌شناسی فارسی مورد قبول و مذاکره قرار نگرفتند. البته وجود برخی مسائل

کمتر می‌بینیم که اهل کتاب (کتابداران، کتابخوانان، کتاب‌نویسان، ...) اگر سفرنامه‌ای بنویسند (که اتفاقاً کمتر هم می‌نویسند) از خاطرات کتابی خود بنویسند. اگر از استاد ایرج افشار بگذریم که خاطرات کتابی او چندین جلد شده و گذر از هیچ کتابخانه و کتاب‌فروشی را بی‌گزارش ترک نمی‌کند، در سفرنامه‌ها یا گزارش‌هایی که از مسافران ایفلا و همایش‌هایی نظیر آن می‌خوانیم، بیشتر به مباحث مطرح شده در سخنرانی‌های همایش می‌پردازند و کمتر درباره حواشی همایش و به‌ویژه درباره موارد مرتبط با کتاب و مواد مکتوب و غیرکتابی می‌نویسند.

در سفر علمی وین (۳۰ شهریور تا ۶ مهر ۱۳۸۷) که در واقع برای شرکت در همایشی درباره برخی مسائل جزئی مربوط به کتاب (نسخه‌شناسی فارسی) بود، تجربیاتی و خاطراتی در کتابت و کتاب و مکتوب دارم که به‌جا می‌بینم گزارشی درباره آن دهم. محور این سفرنامه تنها کتابت و کتاب و مکتوب (به معنی عام و اشکال گوناگون آن) خواهد بود. همچنین درباره مسائلی چون کتاب‌فروشی،

۱. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

2. Bert G. Fragner

شخصی و غیرعلمی نیز قابل کتمان نیست. ۲ نفر پیش از سفر عذر خواستند.

همراهان ما هم بیشتر اهل کتاب بودند: استاد ایرج افشار، سه نفر از مرکز پژوهشی میراث مکتوب، سه نفر از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، یک نفر از مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، یک نفر از کتابخانه آستان قدس رضوی، یک نفر از نشریه نسخه‌شناسی نامه بهارستان، یک نفر از مرکز ذخایر قم، و من که به نام کتابخانه ملی شرکت کردم، اما نماینده و معرفی شده آنجا نبودم. دکتر صادقی هم از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی شرکت کرده بود. سخنرانان خارجی هم اهل کتاب بودند: یک نفر از کتابخانه دانشگاه لیدن، دو نفر از کتابخانه ملی سنت پترزبورگ روسیه، یک نفر که بیشتر در کتابخانه ملی فرانسه بود و تنها دو نفر پژوهشگر غیرکتابدار. شنوندگان بیشتر اهل پژوهش بودند تا اهل کتاب.

سوغاتی بیشتر هم‌سفران ما به وین کتاب و مجله بود که شامل کتاب‌های نوشته و منتشر شده خودشان برای اهدا و یا تبلیغ خود یا مؤسساتشان بود. من نیز چند کتاب و مقاله همراه داشتم تا به همکاران و دوستان دور از ایران دهم. البته یادگاری‌های دیگری هم داشتم که پیوند کهن‌تری با کتابت داشت. یکی از همراهان ما در فرودگاه امام خمینی هم مشغول آماده‌سازی کتابی بود تا در آنجا ارائه دهد. در هواپیما نیز صحبت من با همراه سمت چپم درباره کتاب و مجله بود. در فرودگاه وین به بسته کتاب‌های برخی

دوستانمان ایراد گرفتند که باید کتاب‌های وارد شده به اتریش در غرفه خاصی ارائه و مالیات ورود آن‌ها پرداخت شود. به وساطت دکتر نصرت‌الله رستگار برایشان ثابت شد که این کتاب‌ها نه برای فروش بلکه برای هدیه آورده شده‌اند.

همایش درباره نسخه‌شناسی فارسی بود. نسخه‌شناسی هر کتاب آن بخش توصیف کتاب است که مسائل غیرموضوع کتاب را بررسی می‌کند: ظاهر و فیزیک کتاب (جلد، کاغذ، مرکب، تزئینات، چسب، اثر مهر، ...)، موارد مرتبط با تولید کتاب (کتابت، صحافی، ...)، آثار مالکیت و انتقال کتاب (مهر مالکیت، وقف کتاب، یادداشت‌های مالک یا نویسنده یا خواننده، ...)، مسائل رسم‌النخط (نقطه‌گذاری، علامت‌گذاری، اعراب‌گذاری، علائم اختصاری، ...).

سخنرانی‌ها به ترتیب ارائه در همایش و با سانسور خلاصه مقاله و اظهارنظر در کم و کیف آن‌ها:

ایرج افشار: «نگاه پانورامایی به نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی فارسی»، اکبر ایرانی: «اهمیت چاپ فاکسیمیله (چاپ عکسی) از لحاظ ضوابط نسخه‌شناسی و شناخت متن برای تصحیح متون فارسی»، نادر مطلبی کاشانی: «آداب رنگین‌نویسی در نسخه‌های خطی».

فرانسیس ریشارد: «مهرها و نقش آن در شناخت نسخ خطی فارسی»، صادق آصف آگاه: «بازسازی کتابخانه‌های کهن قاجاری براساس مهرها».

پاول لوفت^۴: «تشخیص اصالت اشعاری که در بعضی از اسناد و سنگ‌نوشته‌های دوره قاجار نقل شده است»،
 علی اشرف صادقی: «نشانه‌های زیر و زبری در نسخه‌های خطی فارسی»،
 یان یوست ویتکام^۵: «ساختار متون در نسخ خطی فارسی تا قرن ۱۶ میلادی»،
 محسن جعفری مذهب: «درباره اهمیت واتر مارک در سالیابی اسناد و نسخ خطی بی‌تاریخ»،
 پریسا کرم‌رضایی: «بررسی انجامه کاتبان در مجموعه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران»،
 ناصر گلباز: «نقش بانک اطلاعات نسخه‌های خطی ایران در گسترش تحقیقات میان‌رشته‌ای»،
 سوسن اصیلی: «درباره بررسی و طبقه‌بندی نسخه‌های مصور کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران»،
 فریبا افکاری: «درباره کاربرد برافزوده‌ها در شناخت نسخ خطی»،
 قنبرعلی رودگر: «موضوع، حاشیه و حاشیه‌نویسی در نسخه‌های خطی»،
 اولگا واسیلوا^۶: «نکاتی چند در مورد جلد‌های طلاکاری شده در ربع آخر قرن ۱۶ میلادی و جلدسازی محمدزمان بن میرزابیگ تبریزی صحاف»،
 محمد وفادار مرادی: «شناخت کاغذ عصر سلجوقی با تکیه به نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی»،

امر یزدان علیمردانف: «میراث مکتوب فرهنگستان علوم تاجیکستان و اهمیت تاریخی، علمی و فرهنگی آن در مطالعات مربوط به خاور نزدیک و خاورمیانه»،
 عمادالدین شیخ‌الحکمایی: «نحوست تربیع و خوش‌یمنی اعداد فرد: تأثیر دو اندیشه کهن در آرایه‌ها و کالبد نسخه‌های خطی»،
 اولگا یاستربووا^۷: «درباره بعضی از عجایب مربوط به نسخه‌های خطی کلکسیون ژنرال کنستانتین فون کافمن»،
 علی صفری آق‌قلعه: «راهکارهای پیشنهادی برای طبقه‌بندی قلم‌های اسلامی با معرفی دو نمونه از قلم‌های مورد استفاده در نسخه‌های خطی فارسی»،
 تنها استاد ایرج افشار بود که سخنرانی خود را تکثیر کرده در اختیار گذاشته و از روی آن خواند. بیشتر خارجیان از روی نوشته می‌خواندند و تنها بر پاورپوینت خود توضیح می‌دادند. برخی چکیده مقاله را تکثیر، و برخی نیز با پاورپوینت ارائه داده، و یکی دو نفر هم اهل این حرف‌ها نبودند. یک نفر خطاب به خواند و یک نفر گزارش کاملاً شفاهی داد. یک نفر گزارشش را بر پشت و روی یک کاغذ چرکنویس (که از دفتری کنده شده بود و شاید هم در هواپیما نوشته بود) چیزهایی نوشته و از روی آن می‌خواند.
 یکی دو نفر توضیحات خود را بر کاغذهای بزرگی که در تالار نصب شده بود با ماژیک می‌نوشتند. به نظر می‌آمد اتریشی‌ها از وایت‌بورد استفاده نمی‌کنند. شاید هم به

4. Paul Luft

5. Jan Just Witkam

6. Olga Vasilyeva

7. Olga Yastrebova

یمن و تقدس کاغذ و نسخه‌شناسی فارسی بود که از وایت‌بورد استفاده نمی‌کردند!

جمع‌بندی کنفرانس را چهار خانم برگزار کردند:

خانم فریبا افکاری: بررسی مقالات کلی،
خانم منیژه بیانی: بررسی مقالات مواد کتابت،

خانم پریسا کرم رضایی: بررسی مقالات کتابت،

خانم سوسن اصیلی: بررسی مقالات هنر در نسخه‌شناسی.

بالتر گفتم که عنوان سخنرانی آقای شیخ‌الحکمایی «نحوست تربیع و خوش‌یمنی اعداد فرد: تأثیر دو اندیشه کهن در آرایه‌ها و کالبد نسخه‌های خطی» بود، که در نوع خود بسیار ارزشمند است. پس از جمع‌بندی سخنرانی‌ها توسط خانم نام‌برده، استاد افشار در جمع‌بندی نهایی به زبان انگلیسی، حضور اناث مکررات را به قول آقای شیخ‌الحکمایی به نحوست تربیع مقایسه کردند که البته مایه خنده‌ای هم شد.

در روز پایانی کتاب‌هایی که از ایران آورده شده و در فرودگاه وین مشکل ایجاد کرده بودند بر روی میزی چیده و به اطلاع شرکت‌کنندگان رسید. در پایان مراسم هم برخی از آن کتاب‌ها به شرکت‌کنندگان خاص و باقی به انستیتوی ایران‌شناسی وین اهدا شد. برخی دوستان دیگر نیز کتاب‌هایی از مؤسسه خود را به انستیتو اهدا کردند که باز شد و دیده شد و حتماً پسندیده شد.

موضوع سخنرانی من درباره اهمیت

واترمارک در سالیابی اسناد و نسخ خطی بی‌تاریخ بود. از آنجا که هنوز در کشورمان تکنیک‌های عکس‌برداری به‌صورت پرتونگاری از واترمارک رایج نشده و البته بسیار گران هم تمام می‌شود و بیشتر محققانی که به واترمارک استناد کرده‌اند آن را نقاشی کرده‌اند، من برای مواد استنادی خود سه سند فارسی دارای واترمارک را بردم. البته آن‌ها را در پوشه و کیف خود گذاشتم و رفتم. از فرودگاه به سلامت گذشتیم و بازگشتیم و دستگاه‌های اشعه ایکس فرودگاه متوجه نشد. فهمیدم که خروج اسناد و نسخ خطی چه آسان انجام می‌پذیرد. تجربه قاجاق را هم که پیشتر درباره‌اش نوشته و گفته بودم، بالمعاینه به‌دست آوردم. البته نتوانستم (یعنی وقت کافی نداشتم) دوستم امانوئل و نگر را در وین بیابم که در مؤسسه برنشتین مشغول دسته‌بندی واترمارک است.

در کنار همایش، چند فعالیت کتابی (و آرشیوی) دیگر نیز داشتیم:

بازدید از آرشیو دولتی اتریش

براساس برنامه‌ای که در تهران از آن آگاه بودیم، پروفیسور لورنز میکلتسی^۸ مدیرکل آرشیو دولتی به حاضران خوش‌آمد گفت و دکتر آور و دکتر ارنست پتریچ^۹، بخش‌های مختلف آرشیو و اسناد مربوط به ایران را به ما نشان دادند. تنها دو کارتن، شاید به قطر ۱۵ سانتیمتر، اسناد درباره ایران بود. چند سند کهنه‌تر ایرانی را هم در نمایشگاه مخزن به نمایش گذاشته بودند که از جمله نامه

8. Lorenz Mikoletzky

9. Auer & Dr. Ernst Petritsch

شاه‌عباس به فردیناند سوم و اعتبارنامه سفارت میرزا ابوالحسن خان ایلیچی به نزد امپراتور نمسه (نام اتریش در ادبیات کهنه‌تر ایرانی) و رونوشت آلمانی آن به خط و ترجمه یوزف فون هامر پورگشتال شرق‌شناس مشهور و اولین رئیس آرشیو دولتی اتریش.

آرشیو دولتی اتریش^{۱۰} در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ میلادی با پیوستن آرشیوهای دربار، جنگ، خانواده‌ها، صدارت عظمی، اقتصادی، و حمل‌ونقل شکل گرفت. در ۱۹۴۷ آرشیوهای دربار و اقتصاد مستقل شدند. سرانجام در ۱۹۸۴ آرشیو جمهوری تشکیل شد.

آرشیو دولتی اتریش حدود ۸۰ هزار سند و ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار مواد آرشیوی دارد که حدود ۷۵۰۰ متر درازا دارد. ۴۵۰ هزار طرح و نقشه جغرافیایی، ۳۴۰ هزار تصویر، و ۶۵۰ هزار شماره نشریه نیز دارد. در قفسه‌ها اسناد کشورها به صورت الفبایی چیده شده است و اسناد ایران که تنها دو کارتن بود:

Persien: ۱۸۵۷ - ۱۵۵۱

Persien: ۱۸۶۶ - ۱۷۹۰

که بعداً بر کارتن اول با مداد بر ۱۸۵۷ خط خورده و در بالایش نوشته شده بود ۱۷۹۸. و بر کارتن دوم با مداد بر ۱۷۹۰ خط خورده و در بالایش نوشته شده بود ۱۸۱۰. به نظر می‌رسد بتوان در طبقه‌بندی اسناد فارسی سه مرحله را تشخیص داد:

۱. ابتدا اسناد ۱۵۵۱ تا ۱۸۵۷ را تنها در یک کارتن گذاشته بودند.
۲. پس از افزوده شدن اسناد جدید آن‌ها را

در دو کارتن گذاشتند. اسناد ۱۷۹۰ تا ۱۸۶۶ به کارتن دوم انتقال یافت. ۳. و پس از ازدیاد اسناد ایران، اسناد ۱۷۹۰ تا ۱۷۹۸ از کارتن دوم به کارتن اول منتقل شد.

به هر صورت برمی‌آید که از سال‌های پیش از ۱۵۵۱، بین ۱۷۹۸ تا ۱۸۱۰، و پس از ۱۸۶۶ سندی ایرانی در آرشیو دولتی اتریش موجود نیست.

راستی این پرسش برایم پیش آمد که چرا روی کارتن‌ها را با مداد تصحیح کردند و مثلاً مثل ما، کارتن‌ها را تغییر نداده بودند تا کسی متوجه جا به جایی اسناد نشود؟ یعنی این قدر صرفه‌جو هستند؟

تعدادی از نسخه‌های نفیس خطی را نیز آوردند که استاد ایرج افشار (فهرست‌نویس آن‌ها) توضیحات کافی درباره آن‌ها دادند. درباره نسخه‌های فارسی موجود در آرشیو دولتی اتریش که استاد افشار فهرست آن‌ها را در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است، پایین‌تر خواهیم نوشت.

بازدید از کتابخانه ملی اتریش

تالار اصلی کتابخانه ملی اتریش (همان‌گونه که خودشان می‌گویند و احتمالاً درست هم می‌گویند) از زیباترین کتابخانه‌های دنیاست. امپراتور اتریش، کارل ششم (تولد ۱۶۸۵/ حکومت ۱۷۱۱ تا ۱۷۴۰) دستور ساخت این بنا را به سبک باروک داد. ساخت تالار کتابخانه از سال ۱۷۲۳ تا ۱۷۲۶ طول کشید و براساس نقشه معمار بزرگ و مشهور

دربار یوهان برنارد فیشر فون ارلاخ^{۱۱} آغاز و توسط پسرش یوزف امانوئل^{۱۲} باتمام رسید. نقاشی‌های سقف در سال ۱۷۳۰ توسط نقاش دربار دانیل گرانز^{۱۳} (۱۶۹۴ تا ۱۷۵۷) کشیده شد. نقاشی طاق ورودی مضامین زمینی و نظامی دارند و نقاشی طاق مقابل آسمانی و صلح آمیز، که تلاش امپراتور و دربارش بود. نقاشی زیر گنبد (که سی متر ارتفاع دارد) در ستایش کارل ششم به عنوان سازنده کتابخانه دربار با سکه‌ای از او که در دست آسمانیان است. طرح این نقاشی‌ها را دانشمند دربار کنراد آگوست فون البرشت^{۱۴} (۱۶۸۲ تا ۱۷۵۱) کشیده است. امروزه در تالار اصلی کتابخانه ملی اتریش حدود ۲۰۰ هزار کتاب از سال ۱۵۰۱ تا ۱۸۵۰ وجود دارد که ۱۵ هزار جلد آن متعلق به پرنس اوگن از ساووی (۱۶۶۳ تا ۱۷۳۶) است.

تالار اصلی بخشی از دربار اتریش بود. مجموعه آن از کتابخانه هابسبورگها، خریداری مجموعه‌های شخصی، هدایا، خرید از نمایشگاه‌ها، و از زمان گارد فون شویتن^{۱۵} رئیس کتابخانه دربار (از ۱۷۴۵ تا ۱۷۷۲) توسط خرید مستمر و دائمی از کتاب‌فروشی‌ها انجام گرفته است. برای بازدید از تالار اصلی باید در تورهایی ثبت نام نمود که راهنما بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه توضیح خواهد داد و برای بزرگسالان: ۷ یورو، خانوادگی: ۱۲/۵۰ یورو، جمعی: (۱۰ نفر و بیشتر) نفری ۴/۵۰ یورو،

جمعی: بزرگان و کودکان نفری ۳ یورو دریافت می‌کنند. البته برای بازدید از دیگر تالارها همچون: تالار نقشه‌ها، تالار پاپیروس، تالار اسپرانتو، و آرشیو عکس، مبالغ دیگری هم دریافت می‌کنند. جزئیات برنامه تورهای کتابخانه ملی اتریش خود موضوع یادداشت مفصل دیگری می‌تواند باشد.

قابل ذکر است که کتابخانه ملی اتریش با این سابقه تاریخی که احتمالاً از زیباترین و موزه‌ای‌ترین کتابخانه‌های دنیاست، هنوز مدخلی در دایرةالمعارف کتابداری ایران ندارد. کاش چند سالی زودتر به اتریش می‌رفتم و مقاله‌ای برای آن می‌نوشتم.

در کتابخانه ملی اتریش نیز ابتدا قرار بود خانم دکتر راخینگر رئیس کتابخانه ملی خوش‌آمد گوید، اما نیامد و معاونش خوش‌آمد گفت. این تنها تخلف از برنامه پیش‌بینی شده در تهران بود. سپس دکتر فینگرناگل مدیر بخش کتاب‌های نفیس و تالار اصلی کتابخانه ملی، کتابخانه اصلی و سلطنتی را معرفی و راهنمایی کرد که بسیار جالب و دیدنی بود. در (شاید هم دروازه) ورودی تالار اصلی و تاریخی کتابخانه چندان بلند بود (شاید سه متر) که قفل آن در ارتفاع شاید ۱۷۰ سانتیمتری قرار داشت و دکتر فینگرناگل کلید برنزی آنتیک شاید به درازی ۳۰ سانتیمتری‌اش را به استاد ایرج افشار داد تا در تالار اصلی کتابخانه را باز کند. کتاب‌ها در دو طبقه چیده شده بودند و

11. Johann Bernhard Fischer von Erlach

12. Joseph Emanuel

13. Daniel Grans

14. Conrad Adolph von Albrecht

15. Gerard van Swieten

البته طبقه دوم به صورت بالکن بود. کتاب‌ها به صورت موضوعی و سپس قطع چیده شده بودند. قفسه‌های چوبی به بلندی شاید ۵ متر که با پلکان چوبی سیاری می‌شد از آن بالا رفت. شماره قفسه‌ها از بخش چپ ورودی تالار آغاز (در جهت عقربه‌های ساعت) و با اعداد لاتینی شماره‌گذاری شده بود. هر قفسه ۱۲ طبقه داشت که از پایین به بالا کوچک‌تر می‌شد. کتاب‌های بزرگ‌تر در پایین و کتاب‌های کوچک‌تر در بالا، و در هر طبقه‌ای شاید ۳۰ تا ۳۵ کتاب چیده شده بود. شماره‌گذاری کتاب براساس شماره قفسه، طبقه، عدد کتاب از چپ بود. لذا کتاب شماره ۱۲۲۸ XIII یعنی کتابی که در قفسه ۱۳، طبقه ۱۲، ۲۸ مین کتاب از سمت چپ بود.

در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، خانم اوا ایربلیش^{۱۶} پس از خوش‌آمدگویی و معرفی بخش خطی، ابتدا تاریخچه بخش خطی کتابخانه ملی اتریش را گفت و فهرست‌های نسخه‌های خطی (برخی خطی، برخی تایپی و برخی چاپی) را نشان داد و درباره هر کدامشان توضیحی داد. اکثر آنان کار و خط یوزف فن هامر پورگشتال بود و سپس گوستاو فلوگل. سپس چند نسخه نفیس و منحصرأ فارسی، از جمله کهن‌ترین کتاب به زبان فارسی در جهان (الابنیه) که توسط ابومنصور علی هروی زنده در سال ۴۴۳ هجری نوشته شده را آورده و استاد ایرج افشار (فهرست‌نویس آن‌ها) توضیحات کافی درباره آن‌ها داد. متأسفانه در این بخش نیز برخی همراهان ما

چنان حریصانه از نسخه هزار ساله الابنیه با فلاش عکس می‌رفتند که مسئولش توضیح داد که با فلاش عکس نگیرید. خانم ایربلیش هنگام عرضه نسخه خطی چنان احتیاطی به خرج می‌داد که حتی اجازه ورق زدن کتاب را به استاد ایرج افشار هم نمی‌داد. استاد افشار زیر لب و آرام گفت «حالا میتوانید بفهمید که چگونه با وسواس این خانم توانستیم برای چاپ عکسی (فاکسیمیله) از الابنیه و ختم الغرایب عکسبرداری کنیم» (که البته برای آن خانم ترجمه نشد و گمان نمی‌رفت آنقدر فارسی بداند که بفهمد و شاید هم حواسش بیشتر به حفظ نسخه‌ها بود). در زیر نسخه مورد بررسی، پایه‌هایی گذاشته بودند که کتاب بیشتر از ۱۴۵ درجه باز نشود، شاید که به عطف آن آسیبی وارد آید. من که در کتابخانه‌های خودمان ندیدم. برای بازماندن نسخه‌ها هم کیسه‌هایی شامل شن مصنوعی قرار می‌داد که فشار بیش از حد به نسخه نیاید.

پس از دیدن نسخ خطی فارسی نفیس کتابخانه، آقای جاهد قره‌دانه کارشناس ارشد مرمت (ترک تبار) مؤسسه، مراتب مرمت چندی از نسخه‌های کهن فارسی را توضیح داد. از جمله مرمت الابنیه، ختم الغرایب، و نسخه‌ای از خمسه نظامی مورخ ۱۵۰۱ - ۱۵۰۳م/۹۰۷ - ۹۰۹ق. که دولت جمهوری آذربایجان به عنوان یکی از میراث جمهوری آذربایجان هزینه مرمت آن را داده بود، و گزارشش در جمهوری آذربایجان به عنوان احیای یکی از میراث فرهنگی آذربایجان

منتشر شده بود.

درباره دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه ملی اتریش و نیز دست‌نویس‌های فارسی آرشیو دولتی اتریش که در بالاتر وعده‌اش را داده‌ام نکاتی را از مقدمه ایشان بر کتاب (به اختصار) خواهم آورد:

«کتابخانه ملی اتریش (سابق بر این: کتابخانه سلطنتی) در شهر وین دارای نسخه‌هایی به زبان‌های فارسی، عربی، و ترکی است. بخشی از این نسخه‌ها را خاورشناس نامورگوستاو فلوگل فهرستنویسی کرده است و آن فهرست در سه مجلد میان سالهای ۱۸۶۵ تا ۱۸۶۷م به چاپ رسیده است. طبق شمارشی که من انجام داده‌ام، در این فهرست جمعا ۲۰۱۶ نسخه توصیف شده است که از آن میان ۳۵۱ نسخه منفرد به فارسی است، به انضمام ۹۴ مجموعه (از قبیل جنگ‌ها، بیاض‌ها، منشآت و کتابهای لغت دو زبانه) که در آن‌ها شماری متون فارسی مندرج است و فلوگل آن‌ها را ذیل نسخه‌های فارسی نیآورده است. گام مهم دیگری که پس از آن و در سده بیستم میلادی در شناساندن نسخه‌های فارسی برداشته‌اند ترتیب و تنظیم دادن فهرستی است از نسخه‌های مصور (مجلس‌دار) و آرایشی. این فهرست را خانم دوروتنا دودا^{۱۷} (دخترهربرت دودا) تهیه کرده و در دو جلد (یکی متن فهرست و دیگری تصاویر مجلس‌ها و آرایش‌های تذهیبی و جلدها) در سال ۱۹۸۳م چاپ شده است. در این فهرست ۱۲۲ نسخه و ۵۶۲ تصویر شناسانده شده است. گام دیگر پژوهشی است که در

سال ۱۹۹۸ توسط کورت هولتز^{۱۸} در معرفی سرلوح‌های نسخه‌های مزین فارسی منتشر شد و در آن ۹۰ سرلوح توصیف شده است. جز این‌ها، کتابخانه ملی مقداری نسخه‌های خطی به زبان فارسی در اختیار دارد که پس از فهرست فلوگل به تدریج فراهم کرده‌اند. شمار آن‌ها ۳۱۰ متن فارسی در ۱۷۰ دست‌نویس ضبط شده است و نشانه Mixt دارد. در سال ۱۳۷۳ ه. ش با دوست ارجمند فاضل آقای دکتر نصرت‌الله رستگار که کارگردان دلسوز انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش است و تدریس زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه وین به عهده دارد، در تهران صحبت از نسخه‌های فهرست ناشده فارسی شد. ایشان گفت پس از بازگشت به اتریش در جلسه انستیتوی ایران‌شناسی پیشنهادی می‌دهم که موافقت کتابخانه ملی اتریش برای فهرست کردن نسخه‌ها خواسته شود تا مگر از میان آن‌ها نسخه‌هایی شناخته شود که موجب پیشرفت پژوهش‌های ایران‌شناسی باشد. چندی نگذشت که پیشنهاد دکتر رستگار پذیرفته شد و فرهنگستان نامه‌ای مهرآمیز به من نوشت تا زمان مقدور معین شود و به اتریش بروم و فهرست نسخه‌ها را بنگارم و در اختیارشان بگذارم تا آن را ترجمه کنند و در سلسله انتشارات فرهنگستان که رشته‌ای از آن خاص پژوهش‌های ایرانی است، به چاپ برسد. از بیست و پنجم دی ۱۳۷۵ ه. ش (۱۵ ژانویه ۱۹۹۷م) به مدت یک ماه در بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی اتریش به بازبینی نسخه‌ها و یادداشت‌برداری از آن‌ها

پرداختم. طبق مرسوم، در آغاز پرسش‌نامه‌ای را براساس موازین تجربی تنظیم کردم که مشخصات هر نسخه و کتاب در آن اوراق نوشته شود. پس از آن نوشته‌ها را با منابع و فهرس دیگر هم سنگ کردم و از کارهای پیشینیان و به‌ویژه از فهرست‌های محمدتقی دانش‌پژوه - که یادش به خیر باد و ناگفته نماند هر فهرست‌نگاری نیازمندست که به فهرست‌های او بنگرد - آن چه کمبود می‌نمودم برافزودم و به نظم موضوعی درآوردم. پس از آن در فاصله چهارسال دو بار دیگر برای تطبیق یادداشت‌ها با نسخه‌ها دو سفر دو روزه پیش آمد و این همه به علاقه‌مندی و دعوت انستیتوی ایران‌شناسی انجام شد».

برای نسخه‌های تازه‌یاب وین چند خصوصیت می‌توان برنوشت:

۱. نسخه‌های منحصر، مانند سفرنامه بلوچستان از عبدالحسین میرزا فرمانفرما (ش ۳۲۱۳) و دربند نامه (ش ۱۳۹۷).

۲. نسخه‌های کهن که می‌تواند - گرچه متن چاپ شده باشد - در تصحیح دیگر و تازه از آن استفاده شود، مثل ختم الغرائب، سروده خاقانی شروانی که به تحفة العراقین شهرت گرفته است (ش ۳۱۱۸) یا فارسنامه ابن بلخی (ش ۳۲۱۲).

۳. نسخه‌هایی که شمار آن‌ها زیاد نیست، همچون تذکره علی‌قلی خان واله (ش ۳۰۶۳)، مرآت آفتاب نما (ش ۳۲۰۰).

۴. نسخه‌های مصور و آرایشی، مانند

اختیارات بدیعی (ش ۲۹۴۹)، رباب نامه (ش ۳۱۴۵).

۵. نسخه‌های کتابتی خوش خط، مانند نورعلی نور پیر جمال اردستانی (ش ۳۱۸۲).

۶. نسخه‌های مجلس‌دار، مانند موش و گربه عبید زاکانی (ش ۳۱۸۳).

۷. نسخه‌های یادگاری و تاریخی، مثل یوسف و زلیخای طغانشاهی (ش ۳۱۸۸)، سفرنامه ناصرالدین شاه (ش ۳۲۱۱)، قصیده مدح جهانگیرخان ارمنی (ش ۳۲۲۵).

۸. قطعه‌های خط و مجلس تصویر.

۹. جلدهای هنری، مانند جلد مخمل و برنج برای سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار (ش ۳۲۱۱).

۱۰. نسخه‌هایی که یادگاری از مالکان پیشین، از جمله مستشرقین دارد و در بعضی از آن‌ها مهرها یا خطوط آن‌ها دیده می‌شود، مانند والتین هوسار^{۱۹}، اتوکار فن شلختا^{۲۰}، پاول هورن^{۲۱}، یوزف فن کاراباچک^{۲۲} و هانس فون مژیک^{۲۳} و همچنین است نسخه‌هایی که این مهرها را از پادشاهان اتریش بر آن‌ها دیده‌ام: (۱) (۱۸۰۴-۱۸۳۵) F.I=Franz I.، (۲) FID.C=fideicommiss، (۳) امپراتوری اتریش (۱۸۰۴-۱۹۱۸م) = مهرتاج در درون دایره‌وار، (۴) (۱۶۱۲-۱۵۷۶) =Rudolf II. تاج بدون دایره، یا آن‌ها که متعلق به کتابخانه Bibliotheca Palatina Vindobonensis است.

لازم به ذکر است که تاریخ به‌دست

19. Valentin Hussar (1788- 1850)

20. Ottokar von Schlechta (1825- 1894)

21. Paul Horn (1863 -1908)

22. Joseph von Karabacek (1845- 1918)

23. Hans von Mzik (1876- 1961)

آوردن نسخه‌ها توسط کتابخانه ملی اتریش در (پیش‌گفتار) خانم ایربلیش آمده است. دو نسخه از نسخه‌هایی که در این مجموعه هست به گوشه‌ای از تاریخ روابط میان ایران و اتریش ارتباط پیدا می‌کند، یکی سفرنامه ناصرالدین شاه (سفر سوم) است (چاپ سنگی تهران، ۱۳۰۸هـ) که بر آن به دست سرلوح مذهب افزوده و جدول‌های آن را تذهیب و در جلدی مخصوص از مخمل و با لبه‌بندی و نام ناصرالدین شاه و شیر و خورشید که از برنج بریده شده است تجلید کرده‌اند و می‌باید یکی از نفایس کارهای هنری مربوط به «جمع‌الصنایع» عصر ناصری باشد (ش ۳۲۱۱). دیگر نسخه یوسف و زلیخای طغانشاهی (ش ۳۱۸۸) است به خط حسن خداداد تبریزی که به فرانسوا ژوزف هدیه کرده است. این حسن خداداد در سفارت ایران عضو بود و کسی است که در وین، نامه خسروان تألیف جلال‌الدین میرزا را طبع کرد و خود رساله‌ای به نام یادگار حسن درباره وضع اقتصادی ایران نوشت که هم در سال ۱۸۱۰م در آن شهر به چاپ رسیده است و احتمال داده‌ام که در آکادمی شرقی آن کشور هم عضو شده بود».

پس از دیدن کتابخانه ملی اتریش، استاد ایرج افشار از خاطرات کارورزی خود در دوره دانشجویی کتابداری می‌گفت که:

«زمانی که در سال ۱۳۳۵ شمسی در دوره فوق‌لیسانس کتابداری در سوئیس کارورزی میکردم، رئیس کتابخانه‌ای که برای کارورزی در آن بودم از من پرسید مشکلات کتابداری در کشور شما (ایران) چیست؟ گفتم و از

جمله سرقت کتاب. گفت نگران نباشید، اینجا هم میشود. سپس مرا فرستاد تا یکی از قدیمی‌ترین چاپهای بریتانیکا را از جای خاصی برایش بیاورم. آوردم. برخی صفحات آن بریده شده بود. میگفت چند دهه قبل که این کتاب ناقص میشد، روسای کتابخانه بدنبال سارق بودند. چند سال طول کشید تا فهمیدند سارق مقالات کیست. یکی از بزرگترین علمای ریاضی سوئیس. اینک هم او از بزرگان و افتخارات کشور سوئیس است و هم این کتاب یکی از اسناد تاریخ کتابداری سوئیس. همان زمانها در ایران مشهور شد که مرحوم سعید نفیسی برخی کتابها را برای تحقیقاتش سرقت میکند. جلسه‌ای از شهربانی و دادگستری و دانشگاه برگزار شد، تا تنبیهی دانشگاهی درباره او برقرار کنند. مرحوم محمد مشکات گفت سعید نفیسی عمرش را برای کتاب گذاشته و هیچ ندارد جز آبرو. این یکی را برایش بگذارید».

البته ایشان در شام شب اول در رستوران آپادانا نیز از خاطرات زمان ریاست کتابخانه ملی خود گفت که برای من جالب بود. و اینکه چرا رئیس کتابخانه ملی ایران شده بود. درباره ریاستش بر کتابخانه ملی هم گفت که:

«من رئیس کتابخانه دانشسرای عالی بودم. عامری از من خواست. قبل از انتخاب دکتر ذبیح‌الله صفا رئیس انتشارات دانشگاه مرا خواست و گفت تو ریاست کتابخانه ملی را نپذیر زیرا حق تقدم با برادرش ابراهیم صفاست که از ابتدا در کتابخانه ملی بود. گفتم من پذیرفته‌ام. بعد از هفت هشت ماه ابلاغ بازگشت به دانشسرا را دریافت داشتم.

ابراهیم صفا رئیس شد. پس از تأسیس مرکز تحقیقات کتابشناسی، حکم تأسیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را گرفتم».

قلب وین، کلیسای جامع یعنی اشتفنز دام است. اشتفنز دام قلب ناحیه تاریخی وین است. در اطراف آن علاوه بر کاخ‌ها و کلیساهای تاریخی، کتاب‌فروشی‌های تاریخی نیز به چشم می‌خورد. کتاب‌فروشی‌هایی که برخی‌شان ۳۰ هزار کتاب برای فروش داشتند. به چند تایی آن‌ها سرزدم. کنترل چندانی بر ورود و خروج نبود، چون ضرورتی نداشت، کتاب‌ها تگ داشتند و کسی هم بداخلاقی نمی‌کرد. بیشتر کتاب‌ها به زبان آلمانی بود که متأسفانه ما در استفاده از آن‌ها عاجز بودیم. برخی نقشه‌های قدیمی دوباره چاپ شده و مثلاً نقشه ۱۶۵۱ یان اسپید را ۱۳ یورو می‌فروخت. برخی کتاب‌ها را در بیرون مغازه گذاشته بودند و به قیمتی بسیار پایین‌تر می‌فروختند. برخی اطلس‌های قدیمی را تجدید چاپ کرده بودند که از جمله اطلس بلاو چاپ ۱۶۶۷ که با تخفیف، ۱۷۵ یورو فروخته می‌شد. متأسفانه نه پول کافی داشتم و نه تحمل حمل کتابی ۵-۶ کیلویی که باید کلی گمرکی هم برایش می‌دادیم. یکی از کتاب‌فروشی‌ها کتاب‌هایی منتشر می‌کرد که عکس‌های تاریخی شهرهای گوناگون اتریش بود. چند کتاب‌فروشی آنتیک که کتاب‌های سده‌های ۱۶ تا ۱۹ را می‌فروختند و چه بسا برخی کتاب‌های کهنه فارسی نیز در آن‌ها یافته شود. قیمت‌ها چندان زیاد بود که قابل خرید برای ما نبود. برخی از آن کتاب‌ها را

در تهران به یک دهم قیمت‌های آنجا هم نمی‌خریم.

از کلیسای اشتفنز دام و کتابخانه ملی اتریش نیز کتابی در معرفی آن‌ها خریدم. چند کتاب برای خودم و دو کتاب هم برای دخترانم خریدم.

در خیابان ماریا هیلفر شتراسه^{۲۴} که محل فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بهترین محل برای خرید سوغاتی برای ایرانیان بود، نیز چند کتاب‌فروشی بود که یکی از آن‌ها چاپ جدید اطلس‌های قدیمی را به قیمت تنها ۱۳ یورو حراج کرده بود. اما هرکدام چند کیلوگرم وزن داشت. شاید دفعه بعد از آن‌ها نیز بخرم. در همان خیابان، خیابان دیگری بود که دستفروشان در دو سوی آن بساط کرده، و همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد به فروش می‌رسید مثل جمعه بازارهای خودمان. برخی نیز کتاب می‌فروختند و البته عکس و روزنامه قدیمی و صفحه گرامافون و دیگر مواد غیرکتابی. وقت نداشتم اما شاید کتابی هم به زبان فارسی یا عکسی مربوط به ایران هم در آن یافت می‌شد. در یکی از کوچه‌های این خیابان کودکان وسایل خود را برای فروش گذاشته بودند. از اسباب‌بازی و کارت و عکس گرفته تا لباس و هدیه‌های غیرمورد نیازشان و از جمله کتاب‌هایشان. تا بفروشند و با پولش وسایل جدید مورد نیاز خود را بخرند.

علاوه بر روزنامه‌فروشان که در غرفه‌ها یا کنار خیابان‌ها روزنامه می‌فروختند، کسانی هم به صورت سرپایی و سیار روزنامه

می‌فروختند. برسر برخی چهارراه‌ها نیز روزنامه‌ها در کیسه‌ای پلاستیکی که باران به آن‌ها نخورد نصب شده بود که باید روزنامه برداشته شده و سپس قیمتش (۱/۵ یورو) به صندوقی انداخته می‌شد که چندان هم قفل محکمی نداشت.

سری هم به شهر براتیسلاوا پایتخت جمهوری اسلواکی در کنار رود دانوب زدیم که در ۶۰ کیلومتری وین قرار دارد و هرساله جشنواره‌های فرهنگی و هنری فراوانی به‌ویژه در زمینه ادبیات و کتاب کودکان در آن برگزار می‌گردد. البته کتابخانه ملی آنجا ۱۵۰ نسخه خطی اسلامی نیز دارد که ما نتوانستیم ببینیم (چون برنامه‌ای برای آن نداشتیم) اما پیشتر گزارش‌هایی از آن منتشر شده است.

در نشست اختتامیه همایش، به مناسبت شصت و پنجمین سالگرد تولد پروفیسور برت فراگنر، کتاب مجموعه مقالات اهدایی به او که توسط همکاران و دانشجویانش تهیه شده و تازه از چاپ درآمد بود به او اهدا شد.

دیداری هم از انتشارات آکادمی علوم اتریش داشتیم که باید سیاهه کتاب‌های مرتبط با ایران را برای تهیه ارسال دارم.

خانم اولگا یاستربوا فهرست‌نویس نسخ فارسی کتابخانه ملی روسیه در سنت پترزبورگ نیز فهرست منتشر شده اسناد و نسخ خطی فارسی سنت پترزبورگ را به من اهدا کرد که باید زمانی آن را معرفی کنم. و البته این سفرنامه نهایی من نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

